

پابلو نرودا

اسپانیا در قلب ما

ترجمه

فرامرز سلیمانی

و

احمد کریمی حکاک



نشر گویا

۵۳	سانخورخو در دوزخ
۵۵	«مولا» در دوزخ
۵۷	ژنرال فرانکو در دوزخ
۶۱	سرودی برای برخی ویرانه‌ها
۶۳	پیروزی بازوان مردم
۶۵	اتحادیه‌ها در جبهه
۶۷	پیروزی
۶۹	چشم‌انداز پس از نبرد
۷۱	گروهان ضد تانک
۷۳	مادرید ۱۹۳۷
۷۷	چامه‌ی خورشیدی برای ارتش مردم

پیشگفتار

اسپانیا در قلب ما

«... هرگز موضوعی بارورتر از جنگ اسپانیا برای شاعران پدید نیامده است. خونی که در اسپانیا ریخته شد آهنربایی بود که تا زمانی دراز به جان شعر لرزه درافکند.»

با این کلام، پابلو نرودا، شاعر آواره به جنگ اسپانیا پرداخت. جنگی که نرودا را به سوی تعهد سیاسی هرچه بیشتر کشانید و از او شاعری مردمگرا و پیشرو ساخت و شعرش را دستخوش تغییراتی بزرگ کرد. تاریخ و شعر را در کنار هم می‌نهیم تا زمینه‌ی فکری شاعر را دریابیم.

در ۱۴ آوریل ۱۹۳۱، آلمونسو پادشاه اسپانیا برای پیشگیری از جنگ داخلی تصمیم به استعفا گرفت و جمهوری کار خود را آغاز کرد اما رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر همراه با احزاب راست و چپ موفق به کنترل کشور، جلب رضایت مردم و از میان بردن مشکلات نشدند. آنگاه فرانسیسکو فرانکو ژنرال خونسرد، خشک و خشن پا به میدان گذارد. یار و یاور او ژنرال‌های تشنه به خونی بودند که در شمال و جنوب اسپانیا ارتش را زیر سلطه‌ی خود داشتند.